



شماره بیست و چهارم

تابستان ۱۳۹۲

صفحات ۱۴۷-۱۲۹

## بررسی دو شخصیت اصلی منظومه ویس و رامین براساس الگوی «سفر قهرمان»

لیلا عبدی \*

دانش‌آموخته دکتری ادبیات حماسی دانشگاه شیراز

دکتر اکبر صیادکوه

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

### چکیده

از دستاوردهای مهم استفاده از نظریات اسطوره‌شناسی، فراهم آمدن زمینه‌های مناسب در تطبیق و مقایسه مبانی آنها با شخصیت‌های اساطیری و غیراساطیری گوناگون است. الگوی «سفر قهرمان» جوزف کمپبل، از روش‌هایی است که می‌توان آن را با شخصیت‌ها و قهرمانان مختلف در داستان‌ها، فیلم‌ها و حتی افراد معروف دنیای کنونی تطبیق داد. در این پژوهش، با بهره‌گیری از این امکان، سعی کرده‌ایم دو شخصیت اصلی منظومه ویس و رامین را تحلیل کنیم. هدف از این پژوهش، از یک سو، آشنایی بیشتر خواننده با الگوی جوزف کمپبل و نشان دادن کارکرد این الگو در داستان‌ها و قصه‌های قدیم ایران، و از سوی دیگر، ارائه دیدگاهی تازه درباره ویس و رامین و برجسته کردن قهرمان اصلی داستان براساس آن است. در بخش اصلی مقاله، با در نظر گرفتن سفر بیرونی (سرنوشت) و درونی (عشق) برای هر قهرمان، به نتایجی چون کارکرد بیشتر این الگو بر سفر درونی دو قهرمان و حضور ویس به‌عنوان شخصیت اصلی داستان رسیده‌ایم.

واژگان کلیدی: جوزف کمپبل، سفر قهرمان، ویس، رامین

\*leilaabdi27@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۲

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۲۸

## ۱- مقدمه

بشر در طول تاریخ، خودآگاه یا ناخودآگاه زندگی خود را با اسطوره‌ها درمی‌آمیزد و به‌ویژه با اسطوره‌های قهرمان می‌زید و بسیاری از آنها را در زندگی سرمشق خود قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، به نظر می‌رسد انسان‌ها در طول تاریخ، بیشتر خواسته‌های تحقیق نیافته، دشوار یا دیریاب خود را در شخصیت یک قهرمان رقم زده‌اند. به همین دلیل در داستان‌های ساخته بشر، قهرمانی برای رسیدن به هدف خود تلاش می‌کند و پس از گذراندن خون‌ها و مراحل سخت و خطرناک، سرانجام به موفقیت می‌رسد. این تکاپو و تلاش‌ها هم در درون و هم در بیرون فرد اتفاق می‌افتد؛ گاه در میدان جنگ، دشمنی بیرونی مقابل او می‌ایستد و گاه با دشمنی درونی در نبرد است. هرچه هست قهرمان باید از این مراحل بگذرد تا پیروز شود. در بیشتر داستان‌های اسطوره‌ای، حماسی، غنایی، عرفانی و حتی فیلم‌ها، این سفر و مراحل آن را می‌بینیم. هرچه ستیزهای قهرمان درونی تر باشد، سفر او دشوارتر، اما جذاب‌تر می‌شود.

در روزگاری که به نظر می‌رسد دیگر اسطوره جایگاهی ندارد و همه جهان را واقعیت فراگرفته‌است، جوزف کمپبل با طرح الگویی جدید، با عنوان «سفر قهرمان»، بر حضور اسطوره در داستان‌ها و افسانه‌ها و زندگی مردم همه جوامع، چه کهن و چه امروزی، تأکید کرد. او معتقد بود: «اسطوره‌ها الهام‌بخش تحقق امکان کمال، تجلی کامل قدرت و به ارمغان آورنده نور خورشید به جهان‌اند» و جایی در اعماق درون، انسان را اسیر خود می‌سازند (کمپبل، ۱۳۷۷: ۲۲۴). به همین دلیل کمپبل به سفرهای درونی قهرمانان علاقه بیشتری نشان داده و الگوی خود را با توجه به یافته‌های روان‌کاوانه تدوین کرده‌است.

در این پژوهش، بر آن هستیم که الگوی سفر قهرمان کمپبل را با شخصیت‌های داستان ویس و رامین انطباق دهیم. داستان ویس و رامین به دو دلیل برگزیده شد؛ نخست اینکه این داستان، داستانی غنایی است و کم‌تر خواننده‌ای تصور می‌کند که می‌توان دیدگاهی اسطوره‌ای را بر روی آن اجرا کرد و دیگر اینکه در این داستان، هم سفر درونی و هم سفر بیرونی اتفاق افتاده و این ویژگی این امکان را بهتر در اختیار ما قرار می‌دهد تا بتوانیم آن را بر بنیاد سفر قهرمان کمپبل بسنجیم. این داستان که فخرالدین اسعد گرگانی، حدود سال ۴۴۶ هجری قمری به فرمان عمید ابوالفتح مظفر نیشابوری آن را به نظم درآورده است (صفا، ۱۳۶۸: ۳۷۳)، یکی از پایه‌های ادبیات غنایی در

زبان فارسی به شمار می‌رود و «اصل آن به زبان پهلوی و متعلق به دوره اشکانیان است» (معین، ۱۳۶۳: ۲۲۳۰). به این ترتیب، برای اینکه خواننده الگوی جوزف کمپبل را بیشتر دریابد، نگارندگان الگوی سفر قهرمان وی را با دو شخصیت اصلی داستان یعنی ویس و رامین، تطبیق داده‌اند؛ زیرا هدف این پژوهش از یک سو، آشنایی بیشتر خواننده با الگوی جوزف کمپبل، و از سوی دیگر، نمایاندن بهتر قهرمان اصلی داستان با استفاده از این الگوست. بر این بنیاد، در این پژوهش چهار نوع سفر در نظر گرفته شده‌است: ۱- سفر بیرونی ویس؛ ۲- سفر بیرونی رامین؛ ۳- سفر درونی ویس؛ ۴- سفر درونی رامین.

## ۲- پیشینه تحقیق

گرچه الگوی سفر قهرمان جوزف کمپبل در ایران چندان شناخته نیست، شیوه وی در تحقیقات اسطوره‌ای مهم و کارآمد به شمار می‌رود. بسیاری از منتقدان آن را در بررسی شخصیت‌های داستان‌ها، اساطیر و قصه‌ها به کار برده‌اند و بسیاری از نویسندگان و حتی فیلم‌سازان کوشیده‌اند سفر درونی یا بیرونی قهرمانان خود را براساس این سرمشق طراحی کنند. از میان منابع بسیاری که در این باره نوشته شده، سه کتاب زیر به فارسی ترجمه شده‌است:

نخستین و مهم‌ترین کتابی که الگوی سفر قهرمان را معرفی می‌کند، کتاب قهرمان هزارچهره (کمپل، ۱۳۸۹) است که در آن مراحل مختلف این الگو توضیح داده شده و برای هر مرحله نمونه‌های زیادی ذکر شده‌است. دومین اثر، کتاب سفر نویسنده: ساختار اسطوره‌ای در خدمت نویسندگان (ووگلر، ۱۳۸۷) است که هدف آن تطبیق الگوی سفر قهرمان بر فیلم‌نامه‌های مختلف است. برای این منظور، نویسنده در الگوی کمپبل تغییراتی اعمال کرده تا برای ساختار فیلم‌نامه مناسب‌تر باشد. ووگلر در این کتاب، نخست تغییراتی را که خود ایجاد کرده توضیح می‌دهد و سپس ساختار چند فیلم را براساس آن بررسی می‌کند. کتاب دیگری که براساس نظریه کمپبل نوشته شده، اسطوره و سینما: کشف ساختار اسطوره‌ای در ۵۰ فیلم به یادماندنی (ویتیلا، ۱۳۸۹) است که با تأثیرپذیری از کتاب سفر نویسنده و با استفاده از تغییرات ووگلر، سعی دارد پنجاه فیلم را در ژانرهای مختلف بررسی کند. تحلیل‌های این کتاب، به قدرت کتاب سفر نویسنده نیست و حتی چند فیلم مهم و مطرح آن در کتاب سفر نویسنده تحلیل شده‌است. همچنین باقری

نسامی در مقاله «بررسی همانندی‌های قهرمانان اساطیری» (۱۳۸۹) براساس شیوه کمپیل، سفر هفت شخصیت اسطوره‌ای و غیراسطوره‌ای رستم، بتمن، آرتور شاه، هراکلس، لوک اسکای واکر، گیلگمش و نیو را بررسی می‌کند. باقری نظریه کمپیل را بدون تغییر، بر این چند شخصیت اعمال کرده‌است. شخصیت‌های انتخاب‌شده، بیشتر دارای سفرها و تحولات بیرونی‌اند و پنج شخصیت بتمن، آرتور شاه، هراکلس، لوک اسکای واکر و گیلگمش در دو کتاب قهرمان هزار چهره و سفر نویسنده با روش کمپیل تطبیق داده شده‌اند.

درباره ویس و رامین نیز تحقیقات بسیاری انجام گرفته که هر یک در نوع خود بسیار مفید است و در این پژوهش به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

اولین اثر در این باره، کتاب *گناه ویس* (مزدایور، ۱۳۸۲) است که هدف از نگارش آن «به نمایش درآوردن اندیشه ایرانی دربارهٔ هنجار و چگونگی رفتار اجتماعی زنان و مردان، به اعتبار جایگاه جنسی آنان است. برای این منظور، نمونه‌هایی از چند حکایت و اثر ادبی در این باب برگزیده شده‌است» (همان: ۷). یکی از این آثار برگزیده، *منظومه ویس و رامین* است. این کتاب ضمن پرداختن به هدف خود، تحلیلی عمیق از شخصیت زن و جامعه نیز ارائه می‌کند. اسلامی ندوشن در مقاله «ویس» (۱۳۴۹ الف) شخصیت ویس را به‌تنهایی و در کنار دیگر شخصیت‌های منظومه، از جمله رامین بررسی می‌کند که به لحاظ بررسی ویژگی هر شخصیت بسیار مهم و مفید است. همچنین وی در مقاله «ویس و ایزوت» (۱۳۴۹ ب)، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان ویس و رامین و *تریستیان و ایزوت*، به‌ویژه شخصیت‌های هر دو داستان را بررسی کرده‌است.

این پژوهش سعی دارد با نگاهی متفاوت به داستان ویس و رامین، الگوی سفر قهرمان جوزف کمپیل را با این داستان عاشقانه ایرانی تطبیق دهد. این روش، سیر تحول سرنوشت و روان شخصیت‌ها را برجسته‌تر و قهرمان اصلی داستان را بهتر معرفی می‌کند.

### ۳- الگوی «سفر قهرمان» جوزف کمپیل

جوزف کمپیل، فیلسوف و اسطوره‌شناس آمریکایی، در سال ۱۹۰۴ در نیویورک زاده شد و در سال ۱۹۸۷ در هونولولو درگذشت. وی در کتاب *قهرمان هزار چهره*، با بهره‌گیری

از نظریات فروید و یونگ، برای هر قهرمان خط سیری را در نظر می‌گیرد که سفر درونی یا بیرونی آن قهرمان را در رسیدن به تکامل نشان می‌دهد. الگوی جوزف کمپبل سه مرحله عزیمت، تشریف و بازگشت دارد که هر مرحله شامل چند بخش می‌شود. در ادامه، با بهره‌گیری از کتاب یادشده، به اختصار به این مراحل اشاره می‌گردد:

### ۱-۳- عزیمت

۱- دعوت به آغاز سفر: این دعوت از طریق یک اشتباه، تمایلات سرکوب‌شده، تعهدی بزرگ، تفکری مذهبی، عشق و... انجام می‌شود؛ در واقع دست سرنوشت، قهرمان را با ندایی به خود می‌خواند.

۲- رد دعوت: بسیار پیش می‌آید که قهرمان به دلایلی چون ترس، کسالت زندگی روزمره، کار سخت یا فرهنگ، به این دعوت پاسخ ندهد. در صورت وجود این وضعیت، او نیاز به یک ناجی دارد.

۳- امداد غیبی: سرانجام پس از حضور ناجی یا پذیرش خود فرد، سفر آغاز می‌شود و موجودی حمایتگر، فرد را راهنمایی می‌کند. این موجود ممکن است در قالب‌های مختلف ظاهر شود.

۴- عبور از نخستین آستان: قهرمان در این مرحله، از سختی‌ها و رنج‌های بسیار که هر مسافر در مقابل آنها ممکن است خود را ببازد، با موفقیت عبور می‌کند.

۵- شکم نهنگ: «گذر از آستان جادویی، مرحله انتقال انسان به سپهری دیگر است که در آن دوباره متولد می‌شود. در این نماد، قهرمان به جای آنکه بر نیروهای آستانه پیروز شود یا رضایت آنها را جلب کند، توسط ناشناخته‌ها بلعیده می‌شود و به ظاهر می‌میرد» (کمپل، ۱۳۸۹: ۹۶)؛ اما پس از بیرون آمدن، تازه متولد می‌شود و گام‌های راستین برمی‌دارد.

### ۲-۳- تشریف

۱- جاده آزمون‌ها: «هنگامی که قهرمان از آستان عبور می‌کند، قدم به جایی می‌گذارد که باید یک سلسله آزمون را پشت سر گذارد. این مرحله، مرحله‌ای محبوب در سفرهای اسطوره‌ای است که مایه به وجود آمدن بخش عظیمی از ادبیات جهان درباره آزمون‌ها و سختی‌های معجزه‌آسا شده است» (کمپل، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

۲- ملاقات با خدایانو: «با پشت سر گذاشتن تمام موانع و غول‌ها، به خوان آخر می‌رسیم که معمولاً ازدواج جادویی روح قهرمان پیروز با خدایانو، ملکه جهان است» (همان: ۱۱۶). «اگر رهرو داستان، به جای مردی جوان، دوشیزه‌ای باشد، این اوست که با توان، زیبایی یا اشتیاق خود لایق همسری خدایی فناپذیر می‌شود» (همان: ۱۲۶).

۳- زن در نقش وسوسه‌گر: بسیار اتفاق می‌افتد که ازدواج با خدایانو، قهرمان را از ادامه مسیر باز دارد. اینجاست که زن نقش وسوسه‌گری را بازی می‌کند که قهرمان باید از آن بگذرد و به ادامه مسیر بپردازد.

۴- آشتی و هماهنگی با پدر: «جنبه دیوماند پدر، انعکاسی از من یا خود قهرمان است. این انعکاس از حس کودکانه‌ای برخاسته که آن را پشت سر گذاشته‌ایم؛ ولی به مقابل خود فرافکنی کرده‌ایم» (همان: ۱۳۶). در این آزمون دشوار است که قهرمان به کمک و پشتیبانی یک هیأت زنانه<sup>(۱)</sup> نیاز دارد تا با توسل به جادوی او آیین تشریفی را که پدر برایش وضع کرده پشت سر گذارد و از چنگ خود خلاص شود» (همان: ۱۳۷).

۵- خدایگان: «این وجود خدایگون، الگوی موقعیتی الهی است که قهرمان انسانی پس از گذشتن از آخرین وحشت‌های جهل به آن می‌رسد» (همان: ۱۵۶). با توجه به ادیان و اساطیر مختلف، انسان از مرتبه «تک‌جنسی» هیبوط کرده و به «دوجنسی» رسیده‌است، ولی کسی که در جاده سفر پای می‌گذارد، در این مرحله از دوجنسی به تک‌جنسی و خدای‌گونگی می‌رسد؛ در واقع از مرحله دوگانگی به یگانگی صعود می‌کند.

۶- برکت نهایی: برکت اعلی، سکونت دائمی در جایی است که مسافر به بیداری رسیده، سرانجام می‌تواند چشم‌های خود را بی‌باکانه باز کند و به نور جاودان نگاه کند. او در کنار خدایان و خدایانوان قرا می‌گیرد و در این مرحله، باید خدایان و خدایانوان را تجلیات و پاسداران اکسیر وجود نامیرا در نظر گرفت؛ ولی خود آنها غایت نهایی نیستند، بنابراین آنچه از مرادده با آنها حاصل می‌شود خود آنها نیست، بلکه برکت و رحمت آنان، یا به عبارتی دیگر، نیروی ماده اصلی و مقاوم آنهاست.

### ۳-۳- بازگشت

۱- امتناع از بازگشت: «پس از نفوذ در سرمنشأ و با دریافت فضل و برکت از تجسم مذکر، مؤنث، انسانی یا حیوانی آن، جستجوی قهرمان به پایان می‌رسد. اکنون این

ماجراجو با غنیمت خود که می‌تواند زندگی را متحول کند، باید بازگردد؛ ولی بارها و بارها قهرمانان از انجام این مسئولیت سر باز زده‌اند» (همان: ۲۰۳).

۲- فرار جادویی: «اگر قهرمان هنگام رسیدن به پیروزی، دعای خیر خدایانو یا خدا را پشت سر داشته باشد، آشکارا مأمور است با اکسیری برای احیای جامعه‌اش به جهان بازگردد. اگر دیوها و خدایان مایل به بازگشت او نباشند یا راه او را سد کنند، آنگاه آخرین مرحله چرخه اسطوره‌ای تبدیل به تعقیب و گریزی نشاط‌آور می‌شود» (همان: ۲۰۶).

۳- دست نجات از خارج: ممکن است برای بازگرداندن قهرمان از سفر ماورایی‌اش، نیاز به کمک از خارج باشد، یا به بیان دیگر، دنیا مجبور شود به دنبالش بیاید و او را با خود ببرد... او در این حال مجبور است همراه با اکسیر خود که نجات‌بخش زندگی و نابودکننده «من»<sup>(۳)</sup> است با جامعه روبه‌رو شود.

۴- عبور از آستان بازگشت: پس از سیراب کردن روح از مکاشفه‌ای سرشار، اولین مشکل قهرمان در راه بازگشت، پذیرش واقعیت هیاهوهای مبتذل زندگی است. او باید با این وضعیت کنار بیاید.

۵- ارباب دو جهان: «هنر ارباب دو جهان آزادی عبور و مرور در دو بخش آن است. حرکت از سوی تجلیات زمان به سوی اعماق سبب‌ساز و بازگشت از آن؛ آن هم به طوری که قواعد هیچ‌یک از این دو سو به دیگری آلوده نشود، ولی درعین حال ذهن بتواند یکی را از دریچه دیگری بنگرد» (همان: ۲۳۷).

۶- رها و آزاد در زندگی: «قهرمان، پهلوان همه آن چیزهایی است که در حال وقوع‌اند، نه چیزهایی که واقع شده‌اند؛ چون که او هست. او تغییرناپذیری ظاهری در دل زمان را با ابدیت بودن اشتباه نمی‌گیرد. از لحظه بعد نمی‌هراسد یا از چیز دیگر که می‌آید تا پایداری را با تغییر و تحول نابود کند» (همان: ۲۵۰).

این الگو، طرحی کلی برای سفر هر قهرمان اسطوره‌ای است و مراحل و ترتیب آنها را می‌توان در اساطیر و داستان‌های اساطیری بررسی کرد؛ اما از آنجاکه داستان مورد مطالعه این پژوهش عاشقانه است، همه این مراحل را نمی‌توان در آن یافت یا ترتیب آنها را به همین صورت حفظ کرد. چه‌بسا که با تحلیل چند داستان دیگر در این زمینه و مطالعه جنبه‌های دقیق آنها، بتوان به الگویی متناسب با چنین داستان‌هایی دست یافت که خارج از حوزه و توان این پژوهش است.

#### ۴- خلاصه داستان ویس و رامین

«شهره»، مادر «ویس»، پیش از زاده شدن دخترش به «موبد»، پادشاه کشور، قول داده که اگر دختری زاد او را به همسری وی در آورد. اکنون که ویس به پانزده سالگی رسیده، شهره عهد خود را فراموش کرده و تصمیم دارد دختر را به ازدواج «ویرو»، برادر ویس و پسر خود، دریاورد. «زرد»، برادر موبد، به فرستادگی از جانب او، به همدان می آید و قول شهره را یادآوری می کند. ویس خود مقابل زرد می ایستد و با این موضوع مخالفت می کند؛ زرد به مرو برمی گردد و به برادرش، موبد، دزدیدن ویس را از همدان پیشنهاد می دهد. موبد می پذیرد و شبانه ویس را از خانه می ربایند و به مرو می برند.

«رامین»، برادر دیگر موبد که ویس را در کودکی دیده و به او علاقه مند است، در راه آوردن ویس به مرو، در لحظه ای که پرده کجاوه ویس کنار می رود، او را می بیند و دلباخته او می شود. او می کوشد با احساس خود مبارزه کند، اما این هیجان بسیار شدید است؛ پس تصمیم می گیرد ماجرا را برای «دایه» که دایه ویس و رامین بوده و اکنون برای کمک به ویس به مرو آمده، بازگو کند. دایه پیمان می بندد به او کمک کند. از سوی دیگر ویس نیز از موبد متنفر است و برای دور کردن موبد از خود، از دایه کمک می طلبد. دایه با جادو، مردی موبد را بر ویس می بندد و ویس را به دیدن رامین ترغیب و مقدمات دیدار آن دو را فراهم می کند. ویس به محض دیدن رامین عاشق او می شود و پس از درگیری های زیاد درونی، سرانجام با رامین صحبت و خود را به او تسلیم می کند.

از این مرحله، این دو برای رسیدن به هم، با مشکلات بسیار روبه رو می شوند و سعی در حل آنها دارند؛ اما رامین از تحمل سختی ها خسته می شود و هنگامی که شخصی به نام «به گوی» او را به فرار از اوضاع تشویق می کند، راه گوراب را در پیش می گیرد و در آنجا با دختری به نام «گل» ازدواج می کند. او پس از مدتی از گل خسته می شود و به یاد عشق قدیمی خود می افتد. ویس نیز که دیگر تحمل هجران معشوق را ندارد، در ده نامه ناراحتی و غم خود را بیان می کند. رامین به مرو برمی گردد، یک ماه را با ویس می گذرانند و پس از آن خود را به موبد نمایان می کند. او زمانی که موبد به شکار رفته و زرد را نگهبان قلعه ویس گذاشته است، برای دیدن ویس، از دست موبد فرار می کند، زرد را که متوجه حضور او شده، می کشد و با گنج موبد به همراه ویس به دیلمان می گریزد. موبد با لشکری بزرگ



به دنبال آنها روانه می‌شود، ولی در میانه راه در درگیری با گراز از پای در می‌آید. رامین پس از شنیدن خبر مرگ موبد به سمت مرو حرکت می‌کند، پادشاه می‌شود و پس از ازدواج با ویس صاحب دو فرزند می‌شوند. ویس پس از چند سال درمی‌گذرد و رامین نیز با سپردن کشور به فرزند خود، تا پایان عمر در آتشگاه مجاور می‌شود.

#### ۵- بررسی سفر شخصیت‌های اصلی ویس و رامین براساس الگوی کمپبل

از آنجاکه داستان ویس و رامین، داستانی عاشقانه است و دو شخصیت اصلی داستان، در سفر درونی که عشق است، به تکامل می‌رسند و از بیرون و با توجه به حوادث داستان، سفری را پشت سر می‌گذارند که سفر سرنوشت آنهاست، برای هر شخصیت دو سفر در نظر گرفته‌ایم که جداگانه بررسی می‌شود: ۱- سفر بیرونی یا سرنوشت که از ابتدای داستان شروع می‌شود و تا پایان داستان ادامه دارد؛ ۲- سفر عشق که در درون هر شخصیت شکل می‌گیرد و به تکامل می‌رسد.

#### ۵-۱- سفر بیرونی ویس (سفر سرنوشت)

هنگامی که زرد روز عروسی ویس با ویرو، به نمایندگی از طرف موبد و با نامه او برای بردن ویس می‌آید، او را «دعوت به آغاز سفری» می‌کند که سرنوشتش با آن رقم می‌خورد. ویس با عصبانیت از پذیرش ازدواج با موبد سر باز می‌زند و «دعوت را رد می‌کند». او می‌گوید جفت و برادر من ویرو است؛ اما آنچه او را به سفر سرنوشت می‌برد، دزدیده شدنش است. موبد او را شبانه از خانه می‌رباید و به سوی مرو می‌برد. دزدیده شدن را می‌توان «امدادهای غیبی» برای سفر سرنوشت در نظر گرفت، زیرا ویس را به سوی سفر سرنوشت می‌برد. موبد با او ازدواج می‌کند، اما ویس با کمک دایه، مردی موبد را بر خود می‌بندد و همچنان باکره می‌ماند. این بخش را می‌توان «عبور از نخستین آستان» در نظر گرفت؛ زیرا موبد نقش غولی را بازی می‌کند که ویس با ترفند و جادوی دایه او را از خود دور می‌کند. در مرحله بعد، ویس با راهنمایی دایه رامین را می‌بیند، عاشق او و با او همخوابه می‌شود. در این مرحله که مرحله «شکم نهنگ» است، عشق و ازدست دادن باکرگی برای ویس نوعی فنا است، اما فنایی که ازدست دادن «من» و فردیت است و زنده ماندن در عشق و دیگری.

در مرحله بعد که ویس قدم در «جاده آزمون‌ها» می‌گذارد، با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود که هر کدام از آنها از او قهرمانی ثابت‌قدم در مسیر خود برای رسیدن به معشوق می‌سازند. از مهم‌ترین آزمون‌هایی که بر سر راه ویس قرار می‌گیرند، به گزینه‌های زیر اشاره می‌شود:

۱- آگاه‌شدن موبد از عشق ویس به رامین؛ ۲- خبر رساندن به ویرو؛ ۳- فرستادن ویس به نزد برادر و مادر؛ ۴- برافروختن و آتش برای تعیین صداقت ویس؛ ۵- فرار ویس به همراه رامین به ری؛ ۶- تحمل سرزنش‌ها و تنبیه‌های موبد؛ ۷- تحمل دوری رامین؛ ۸- رفتن رامین به گوراب و ازدواج او با گل؛ ۹- نامه‌آهانت‌آمیز رامین به او از گوراب؛ ۱۰- مبتلاشدن به بیماری‌های زیاد در دوری از رامین.

پس از اینکه دوری رامین برای ویس قابل تحمل نیست، روزی «مشکین»، دبیر دربار موبد را که سخنوری ماهر است، می‌بیند و از او درخواست می‌کند به رامین نامه‌ای بنویسد و غم و ناراحتی‌اش را برای او توضیح دهد. مشکین می‌پذیرد و سخنان ویس را در ده نامه برای رامین می‌نویسد. رامین نیز که از گل خسته شده و نامه‌های ویس به او رسیده‌است، به مرو برمی‌گردد و باز هم این دو، به یکدیگر می‌رسند. در این مرحله، ویس در عشق به تکامل رسیده و دیگر آن شخصیت ابتدای داستان نیست که به خاطر تنهایی به رامین نزدیک شود؛ بلکه او عاشق واقعی رامین است و پیوستن دوباره به او ویس را از دوجنسی به تک‌جنسی سوق می‌دهد. این مرحله را کمپیل، «خدايگان» نام نهاده‌است. ویس پس از شکوه و گلایه‌های بسیار به رامین می‌رسد و دوباره با او هم‌خوابه می‌شود. در این مرحله است که آن دو با یکدیگر پیمان می‌بندند تا ابد در کنار هم بمانند. این مرحله همان مرحله «برکت نهایی» است که هر دو شخص اکسیر حیات، یعنی عشق را دریافت می‌کنند.

پس از آنکه ویس و رامین یک ماه با یکدیگر می‌گذرانند، رامین خود را به موبد معرفی می‌کند. روزی که موبد قصد شکار دارد، رامین را نیز با خود می‌برد و زرد را نگهبان قلعه ویس می‌گمارد. رامین از موبد فرار می‌کند و ناخواسته، زرد را به قتل می‌رساند. پس از این ماجرا ویس و رامین با گنج‌های موبد به دیلمان می‌گریزند و صحنه «فرار جادویی» اتفاق می‌افتد. موبد با لشکری بزرگ به دنبال آنها روانه می‌شود، اما در راه با گرازی درگیر و

کشته می‌شود. در این مرحله «دست نجات از خارج» به ویس و رامین کمک می‌کند از دست موبد نجات یابند. ویس به همراه رامین، پس از عبور از این مشکلات یا همان «آستان بازگشت»، به مرو می‌رسد، با رامین ازدواج می‌کند و صاحب دو فرزند می‌شود. او با این ازدواج و زادن فرزند «ارباب دو جهان» است. در آخرین مرحله، ویس «از غم و شادی جهان آزاد» می‌شود و پس از سال‌های طولانی زندگی در کنار رامین، از دنیا می‌رود.

#### ۵-۲- سفر بیرونی رامین (سفر سرنوشت)

زمانی که موبد با برادران خود درباره آوردن ویس به مرو مشورت می‌کند، رامین به «آغاز سفر» سرنوشت دعوت می‌شود. سفری که او را دل‌باخته ویس می‌کند و تا پایان برای به‌دست آوردن او می‌جنگد. اما رامین با تصمیم موبد مبنی بر دزدیدن ویس مخالفت می‌کند، زیرا ویس جوان است و موبد پیر. از سوی دیگر، رامین خود از کودکی به ویس علاقه‌مند است. او به این دلایل، «دعوت به سفر را رد می‌کند». در این هنگام «امدادهای غیبی» به او کمک می‌کنند؛ به این معنی که موبد ویس را می‌دزدد و او را به مرو می‌آورد. رامین از همان ابتدا که ویس را می‌بیند دل‌باخته او می‌شود و با همکاری دایه و علی‌رغم مخالفت‌های اولیه ویس و حضور موبد در نقش رقیب، با ویس ملاقات می‌کند و عشق او را از آن خود می‌کند. او در این مرحله «از نخستین آستان می‌گذرد»، با ویس هم‌خوابه می‌شود و در اینجا به مرحله «شکم نهنگ» وارد می‌شود؛ زیرا فردیت را از دست می‌دهد و با ویس یگانه می‌شود.

رامین برای به‌دست آوردن ویس در «جاده آزمون‌ها» قدم می‌گذارد. از آزمون‌هایی که رامین پشت سر می‌گذارد، علاوه بر آزمون‌هایی که برای او و ویس مشترک است، آزمون سختی که تنها بر سر راه رامین قرار می‌گیرد، دعوت به‌گویی به رفتن به گوراب است و رامین که از مشکلات خسته شده، می‌پذیرد و به آنجا می‌رود. در این بخش داستان، وقفه‌ای برای ادامه سفر و رسیدن به وصال ویس پیش می‌آید. رامین با گل ازدواج می‌کند و شرط گل برای ازدواج با رامین، فراموش کردن ویس است. گل نقش «زن وسوسه‌گری» را بازی می‌کند که رامین را از سفر طبیعی سرنوشت باز می‌دارد. اما رامین پس از خسته شدن از گل، به نزد ویس برمی‌گردد و پس از تحمل گلایه‌های زیاد ویس، دوباره به یکدیگر می‌پیوندند. درک عمیق عشق، رامین را با ویس یگانه می‌کند. او

دیگر به مرحله «خدايگان» وارد شده‌است، زیرا از درون خود را با ویس یگانه می‌پندارد. به همین دلیل، پس از اینکه ویس او را پذیرفت، آن دو دوباره به یکدیگر می‌پیوندند. در این مرحله به دست آوردن معشوق واقعی و اکسیر عشق، برای رامین «برکت نهایی» است.

رامین پس از به دست آوردن ویس، برای اینکه مردم را از پادشاهی ظالم برهاند، زرد را می‌کشد و با گنج موبد و ویس از مرو می‌گریزد و در این میان «فراری جادویی» اتفاق می‌افتد. شایان یاد است که در داستان ویس و رامین این نوع فرار، آن گونه که در الگوی کمپیل مطرح شده‌است، اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا این مرحله در الگوی کمپیل دقیقاً براساس داستان‌های اساطیری روی می‌دهد و کاربرد آن نیز بیشتر برای آنهاست، در حالی که در داستان ویس و رامین با ماجرای عاشقانه و شخصیت‌های زمینی روبه‌رو هستیم. پس از فرار رامین و ویس، موبد که با لشکری بزرگ به دنبال او رفته، در گرگان با گزازی درگیر و کشته می‌شود و «دست نجات از خارج» رامین را یاری می‌کند؛ مردم کشور نیز از دست پادشاهی ستمگر آزاد می‌شوند. رامین پس از آگاهی از مرگ موبد به مرو برمی‌گردد و آماده رهبری مردم می‌شود. او «از آستان بازگشت عبور می‌کند». دلیل اینکه این بخش را عبور از آستان بازگشت قرار داده‌ایم، سختی‌هایی است که رامین پس از فرار از مرو و در راه متحمل می‌شود.

رامین در مرحله «ارباب دو جهان»، بر تخت پادشاهی می‌نشیند و فرمانروایی می‌کند. در اینجا او به مرحله «آشتی و یگانگی با پدر» وارد می‌شود. این بخش نیز با ترتیب الگوی کمپیل پیش نمی‌رود. در فصل‌های اول کتاب می‌خوانیم که موبد هم برادر و هم پدر رامین است و چون در این مرحله است که رامین هم همسر موبد را به دست می‌آورد و هم تخت و تاج او را و این اتفاق زمانی می‌افتد که موبد کشته شده‌است، مرحله یگانگی با پدر در این زمان به وجود می‌آید. در واپسین مرحله، پس از سال‌های زیاد پادشاهی و مرگ ویس، رامین از پادشاهی کناره می‌گیرد و «آزاد و رها» در آتشگاه مجاور می‌شود و به عبادت می‌پردازد.

### ۵-۳- سفر درونی ویس (سفر عشق)

در این بخش تنها تحولات درونی ویس و سفر او را در عشق در نظر می‌گیریم؛ سفری که بسیار ظریف‌تر، ولی مهم‌تر از سفر بیرونی است.

در اولین مرحله، ویس در مرو زنی تنهاست و دایه او را به عشق رامین و ارتباط با او ترغیب می‌کند؛ در واقع او در مرحله «دعوت به آغاز سفر» قرار می‌گیرد. ویس که علی‌رغم علاقه‌مند نبودن به همسر، زنی متعهد و به برادرش و پرو نیز علاقه‌مند است، دعوت را رد می‌کند. اما دایه که به رامین قول داده ویس را به او عاشق کند، نقش همان استادی را بازی می‌کند که با «امدادهای غیبی»، راهنمای ویس در سفر عشق است. او برنامه‌ای ترتیب می‌دهد که ویس، رامین را ببیند. ویس علی‌رغم درگیری‌های درونی و ترس‌های بیرونی، به‌ویژه ترس از موبد، با رامین دیدار می‌کند، دلباخته او می‌شود و به مرحله «عبور از نخستین آستان» وارد می‌شود. او سپس با رامین هم‌خوابه می‌شود. از دست دادن باکرگی، مرگ و انتقال به سپهری دیگر و تولد دوباره اوست. در واقع او به مرحله «شکم نهنگ» وارد می‌شود و در حالی که در عشق ثابت‌قدم است، بیرون می‌آید.

ویس پس از این مرحله، به «جاده آزمون‌ها» وارد می‌شود. در این مرحله، با مشکلات بسیار روبه‌رو است: ۱- آگاه‌شدن موبد از کار او؛ ۲- سرزنش‌های موبد؛ ۳- برافروختن ور آتش برای او؛ ۴- دوری رامین؛ ۵- زاری در هجران؛ ۶- تنبیه‌های موبد؛ ۷- ازدواج رامین با گل؛ ۸- تحمل نامه اهانت‌آمیز رامین؛ ۹- بیمار شدن از فراق رامین.

در این میان ویس نیز که از این همه بدنامی به تنگ آمده، هنگامی که رامین پیش از ترک مرو و رفتن به گوراب به نزد او می‌رود، او را از خود می‌راند و با بی‌احترامی با او برخورد می‌کند. گویا «زن وسوسه‌گر» درون ویس، سعی می‌کند او را از ادامه سفر عشق بازدارد؛ اما سرانجام پس از رفتن رامین و تحمل هجران، ویس در عشق به تکامل می‌رسد و متوجه می‌شود که بدون رامین قادر به ادامه زندگی نیست. او با نوشتن ده نامه به رامین، وابستگی خود را به او نشان می‌دهد. این مرحله، همان مرحله خدایگون و به تعبیر کمپبل، «خدایگان بودن» ویس است. او از درون به رامین پیوسته و با او یکی شده‌است؛ از دوجنسی بودن رسته و به مرتبه تک‌جنسی رسیده‌است. هنگامی که رامین به نامه‌ها پاسخ می‌دهد و عشق خود را به ویس اعلام می‌کند، در واقع اکسیر حیات را برای او می‌فرستد و ویس به «برکت نهایی» می‌رسد.

اما هنگامی که رامین برای دیدن ویس به مرو می‌رود، ویس از پذیرفتن او سر باز می‌زند. گویی برای ویس، اظهار عشق دوباره رامین کافی است. گرچه فخرالدین اسعد

در داستان می‌نویسد ویس برای تنبیه رامین او را نمی‌پذیرد، به نظر می‌رسد ویس از بی‌وفایی دوباره رامین واهمه دارد و ترجیح می‌دهد در عشق بدون وصل بماند؛ در واقع «از بازگشت امتناع می‌کند». به دلیل امتناع ویس از بازگشت، «دست نجاتی از خارج»، رامین را دوباره به او برمی‌گرداند و این دست نجات، دایه است. او که متوجه می‌شود این رابطه عاشقانه در حال شکست است، به دنبال رامین که از گلایه‌های ویس به تنگ آمده و محل را ترک کرده، می‌رود و او را برمی‌گرداند. پس از بازگشت دوباره رامین، باز هم ویس شروع به گلایه می‌کند، اما سرانجام پس از گذراندن این مشکلات و «عبور از آستان بازگشت»، دوباره به یکدیگر می‌رسند. ویس با پیوستن به رامین از درون و بیرون به آرامش می‌رسد. اکنون او «اریاب دو جهان» است: هم معشوق را در کنار دارد و هم از بیرون کسی او را تهدید نمی‌کند؛ زیرا هیچ‌کس از آمدن رامین باخبر نیست. در مرحله پایانی، ویس و رامین «آزاد و رها» در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و دیگر ترسی از تهدیدهای موبد یا آزارهای او ندارند. مهم این است که عشق واقعی، یعنی اکسیر حیات را در دست دارند و با آن می‌توانند با مشکلات بیرونی روبه‌رو شوند.

#### ۵-۴- سفر درونی رامین (سفر عشق)

اولین مرحله زمانی شکل می‌گیرد که ویس در کجاوه است و او را به مرو می‌آورند. ناگهان پرده‌ی عمارت کنار می‌رود، رامین ویس را می‌بیند و عاشق او می‌شود. این مرحله برای رامین «دعوت به آغاز سفر» عشق است. اما او این «دعوت را رد می‌کند» و چاره‌ی خود را در صبر می‌داند، زیرا رسیدن به زیبارویی چون ویس را کاری دشوار تلقی می‌کند و دیگر اینکه ویس همسر برادر اوست. اما عشق او به نهایت می‌رسد و آن را با دایه در میان می‌گذارد. حضور دایه همان «امداد غیبی» است که رامین را در سفر عشق راهنمایی می‌کند. هنگامی که موبد قصد رفتن به شکار دارد، رامین خود را به بیماری می‌زند، با موبد به شکار نمی‌رود و با حیله و ترفند دایه، با ویس دیدار می‌کند. او در این بخش «از نخستین آستان» عبور می‌کند. سپس در مرحله «شکم نهنگ» با ویس همخوابه می‌شود.

از این مرحله، دو دل‌داده پای در «جاده‌ی آزمون‌ها» می‌گذارند که بیشتر آنها بسیار مشکل است؛ گرچه آزمون‌های رامین به سختی آزمون‌های ویس نیست. از آزمون‌های

مشکل برای رامین می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- آگاه شدن موبد از رابطه او با ویس؛ ۲- سرزنش‌های موبد و دیگران؛ ۳- درگیری‌های درونی رامین در عشق به ویس؛ ۴- روش‌های مختلف و مخفیانه دیدن ویس؛ ۵- فرارهای مختلف از دست موبد؛ ۶- خستگی و آشفتگی از عشق؛ ۷- نصیحت‌های به‌گویی و رفتن به گوراب.

رامین در گوراب با «گل» آشنا می‌شود. گل نقش «زن وسوسه‌گری» را بازی می‌کند که رامین را از عشق به ویس باز می‌دارد و ناگهان وقفه‌ای در سفر رامین (سفر درونی عشق) به وجود می‌آورد. دوری و جدایی رامین از ویس، او را در عشق به کمال می‌رساند. او متوجه می‌شود که بدون ویس قادر به زندگی نیست. سیر شدن رامین از گل و یادکردن از ویس، مرحله «خدایگانی» سفر درونی رامین است. از اینجا است که باید برای رسیدن به ویس تلاش کند. تکامل او در عشق، همان «برکت نهایی» است. در این لحظه رامین، اکسیر حیات را به دست می‌آورد.

اما رامین «از بازگشت به مرو واهمه دارد»، زیرا از احساس ویس آگاه نیست و سختی‌ها و رنج‌های زندگی خود در مرو را نیز به یاد می‌آورد. او می‌ترسد دوباره به همان مشکلات دچار شود، اما نامه‌های ویس به او، همان «دست نجات از خارج» است که در تصمیم‌گیری‌اش تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود پس از نوشتن نامه به ویس، خود نیز راهی مرو شود. هنگام رسیدن به مرو ابتدا ویس او را نمی‌پذیرد، زیرا از رفتن او و ازدواجش با دیگری ناراحت و دلخور است؛ اما پس از شنیدن شنکوه‌های بسیار و گذراندن شبی سرد و برفی بیرون از خانه ویس، با کمک دایه به داخل منزل دعوت می‌شود. او در این هنگام با همکاری دایه «از آستان بازگشت عبور کرده‌است». پس از اینکه ویس او را می‌پذیرد، رامین، هم به معشوق می‌رسد و هم از اینکه کسی از حضورش باخبر نیست، از بیرون با مشکلی دچار نمی‌شود. او با راحتی و آسایش معشوق را در اختیار دارد و «آریاب دو جهان» است. در واپسین مرحله او با آرامش تمام در کنار ویس زندگی می‌کند و دیگر تهدیدات بیرونی او را نمی‌ترساند. رامین به دلیل در دست داشتن اکسیر حیات، یعنی عشق، «آزاد و رها» و آماده مبارزه با تمام مشکلات است.

مراحل و انواع سفر ویس و رامین، در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده‌است. برای درک و دریافت هرچه بیشتر خواننده، هر سه مرحله اصلی سفر قهرمان، در جدولی جداگانه قرار گرفته‌است.

**جدول ۱- سفر ویس و رامین در مرحله عزیمت**

مراحل سفر	سفر بیرونی ویس	سفر بیرونی رامین	سفر درونی ویس	سفر درونی رامین
دعوت به آغاز سفر	آمدن زرد به طلب او از جانب موبد	مشورت موبد با برادران درباره ویس	تشویق کردن دایه او را به دیدن رامین	کنار رفتن پرده کجاوه و دیدن ویس
رد دعوت	مخالفت با ازدواج با موبد	مخالفت با تصمیم موبد برای دزدیدن ویس	سرباز زدن از ملاقات با رامین	تحمل عشق و صبر کردن
امدادهای غیبی	دزدیدن و بردن او به مرو	دزدیده شدن ویس و آوردنش به مرو	راهنمایی دایه و ترغیب او به دیدن رامین	همکاری دایه با او برای دیدن ویس
عبور از نخستین آستان	بستن مردی موبد	ملاقات با ویس و ابراز عشق خود به او	دیدن رامین و عشق به او	نرفتن به شکار و ملاقات با ویس
شکم نهنگ	همخوابگی با رامین	همخوابگی با ویس	همخوابگی با رامین	همخوابگی با ویس

**جدول ۲- سفر ویس و رامین در مرحله تشریف**

مراحل سفر	سفر بیرونی ویس	سفر بیرونی رامین	سفر درونی ویس	سفر درونی رامین
جادوآمونها	آگاه شدن موبد، تنبیه‌های او، قارهای پیایی، ازدواج رامین...	برافروختن ور آتش برای او و ویس، فرار به ری، ازدواج با گل، کشتن زرد و فرار به دیلمان...	تحمل سرزنش‌های موبد، هجران معشوق، تحمل نامه توهین آمیز رامین...	دوری از ویس، سرزنش‌های موبد و اطرافیان...
ملاقات با خدایانو	_____	_____	_____	_____
زن در نقش وسوسه‌گر	_____	ازدواج با گل و نفرت گل از ویس	پرخاشگری با رامین، پیش از رفتن	ازدواج با گل
آشتی و یگانگی با پدر	_____	به دست آوردن ویس و پادشاهی	_____	به دست آوردن ویس
خدایگان	دیدن دوباره رامین	بازگشت به مرو برای دیدن ویس	آگاهی از عشق واقعی خود به رامین	سیرشدن از گل و یادکردن از ویس
برکت نهایی	رسیدن دوباره به رامین	رسیدن دوباره به ویس	رسیدن نامه رامین از گوراب	بیداری در عشق و یافتن اکسیر

**جدول ۳- سفر ویس و رامین در مرحله بازگشت**

مراحل سفر	سفر بیرونی ویس	سفر بیرونی رامین	سفر درونی ویس	سفر درونی رامین
امتناع از بازگشت	_____	_____	_____	ترس از بازگشت به مرو
فرار جادویی	فرار به همراه رامین به دیلمان	فرار با ویس به دیلمان	_____	_____
دست نجات از خراج	کشته شدن موبد	کشته شدن موبد	همکاری دایه برای بازگرداندن رامین	نامه ویس



عبور از آستان بازگشت	بازگشت به مرو پس از کشته شدن موید	بازگشت به مرو پس از کشته شدن موید	پذیرفتن دوباره رامین به درون قصر	تحمل گلایه‌های ویس
ارباب دو جهان	ازدواج با رامین و مادرشدن	پادشاهی بر مرو	رسیدن دوباره به رامین	رسیدن دوباره به ویس
آزاد و رها در زندگی	مرگ ویس [آزاد شدن از غم و شادی جهان]	مجاور شدن در آتشگاه	زندگی با رامین بدون ترس از موید	زندگی با ویس بدون ترس از موید

### ۶- نتیجه گیری

نگارندگان به دو دلیل برای هر قهرمان (ویس و رامین) دو نوع سفر بیرونی و درونی در نظر گرفته‌اند: دلیل نخست شیوه کمپیل است که بیشتر به درون قهرمانان نظر دارد و سفر و تکامل را از درون آنان واکاوی می‌کند. دلیل دیگر هم مشکلات درونی هر دو شخصیت داستان است. در سفر عشق، قهرمانان اگرچه با مشکلات بیرونی درگیرند، وضعیت درونی آنان بسیار مهم‌تر است؛ به‌ویژه اینکه فخرالدین اسعد در واکاوی درونی شخصیت‌ها، به‌ویژه زنان، بسیار چیره‌دست عمل کرده‌است.

چنان‌که در متن و جدول‌ها مشاهده می‌شود، تعدادی از مراحل در دو نوع سفر، یکسان‌اند. دلیل آن نیز تأثیر حوادث بیرون بر درون قهرمانان است؛ برای مثال، آزمون‌هایی که از بیرون بر هریک از قهرمانان تحمیل می‌شود، بر درون آنها نیز تأثیر می‌گذارد و موجب ادامه سفر درون یا وقفه در آن می‌شود.

همچنین تعدادی از مراحل برای هر دو شخصیت یکسان است؛ مانند شکم نهنگ یا جاده آزمون‌ها در هر دو نوع سفر و برکت نهایی و فرار جادویی در سفر اول. دلیل آن نیز همراهی این دو شخصیت در این بخش‌های داستان است؛ گرچه برای هریک از شخصیت‌ها، بعضی مراحل قوی‌تر یا ضعیف‌تر به نظر می‌رسد. برای مثال مرحله شکم نهنگ برای ویس قوی‌تر از رامین است، زیرا اوست که با ازدست‌دادن باکرگی به مشکلات و سختی‌های بیشتری دچار می‌شود و در ادامه سفر قوی‌تر از رامین عمل می‌کند. همین ثبات قدم ویس در عشق است که او را قهرمان اصلی داستان معرفی می‌کند؛ زیرا اوست که رنج می‌کشد و اوست که در سوگند خود وفادار می‌ماند. اوست که آزارهای بیشتری از طرف موید و اطرافیان تحمل می‌کند و اوست که برای رسیدن به معشوق، از غرور زنانه خود درمی‌گذرد و به رامین نامه می‌نویسد.

از دیگر نتایج این تحقیق - چنان که از متن و جدول‌ها نیز پیداست - تطابق نداشتن چند مرحله از الگوی کمپبل با داستان است؛ به‌ویژه مراحل مربوط به تشریف. مراحل تشریف بیشتر برای قهرمانان اسطوره‌ای اتفاق می‌افتد که با حوادثی خارق‌العاده، چه در درون خود و چه بیرون، روبه‌رو می‌شوند و از آنجا که ویس و رامین شخصیت‌هایی کاملاً زمینی با همان خواهش‌ها، نقص‌ها، دردها و شادی‌های زمینیان تعریف شده‌اند، این مراحل را در این داستان به‌سختی می‌توان یافت. به نظر می‌رسد به همین دلیل است که ووگلر نیز در کتاب سفر نویسنده، بیشترین تغییر را در این بخش اعمال کرده‌است. همچنین از آنجا که در الگوی کمپبل و به‌طور کلی در اساطیر، قهرمان مرد و از جنس مذکر است، بخش‌هایی از این الگو با سفر رامین تطبیق می‌کند، اما دربارهٔ ویس چنین نیست. برای نمونه در سفر بیرونی ویس، مرحلهٔ «زن در نقش وسوسه‌گر» وجود ندارد، در حالی که برای رامین این مرحله را می‌توان دید. به همین دلیل اگر بخواهیم الگوی کمپبل را با قهرمانان زن تطبیق دهیم، بهتر است بر سفر درونی آنها اجرا شود، زیرا کاربردی‌تر است.

اگر بخواهیم الگوی سفر قهرمان دقیقاً با داستان ویس و رامین هماهنگ شود، باید برای این الگو قهرمانان زن نیز در نظر بگیریم. همچنین از آنجا که این الگو برای داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی تعریف شده و در ماجراهای اسطوره‌ای و حماسی، حوادث خارق‌العاده نقش بسیار دارد، برای تطبیق با داستان ویس و رامین که داستانی غنایی است و شخصیت‌های آن کاملاً زمینی هستند، باید بخش‌هایی چون فرار جادویی حذف یا تعدیل شود.

### پی‌نوشت

۱- عنصر زنانه هم می‌تواند زنی از بیرون باشد و هم آنیمای قهرمان. «آنیمای تجسم تمامی گرایش‌های روانی زنانه در روح مرد است؛ همانند احساسات، خلق‌و‌خوهای مبهم، مکاشفه‌های پیامبرگونه، حساسیت‌های غیرمنطقی، قابلیت‌های عشق شدید به طبیعت و سرانجام روابط با ناخودآگاه» (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۷۰).

۲- «من» در تعریف یونگ و در توضیح فرایند فردیت، اولین مرحله از این فرایند است که خودآگاه بشر را دربر می‌گیرد. «من» تنها «بخش کوچکی از روان را تشکیل می‌دهد» (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۴۱). «این "من" است که تمامی سیستم خود را به کار می‌اندازد و با آفرینش خودآگاه خود را به تحقق می‌رساند» (همان: ۲۴۴).

## منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۴۹ الف)، «ویس»، جام جهان‌بین، تهران: ابن‌سینا، صص ۱۴۲-۱۱۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۹ ب)، «ویس و ایزوت»، جام جهان‌بین، تهران: ابن‌سینا، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- باقری نسامی، مریم (۱۳۸۹)، «بررسی همانندی‌های قهرمانان اساطیری»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مايه*، سال سوم، شماره ۵، صص ۲۶-۱۷.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد ۲، تهران: توس.
- کمپیل، جوزف (۱۳۷۷)، *قدرت اسطوره*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، *قهرمان هزارچهره*، ترجمه شادی خسروپناه، مشهد: گل‌آفتاب.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۸۱)، *ویس و رامین*، تصحیح محمد روشن، تهران: صدای معاصر.
- مزدآپور، کتایون (۱۳۸۲)، *گناه ویس*، تهران: اساطیر.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.
- ووگلر، کریستوفر (۱۳۸۷)، *سفر نویسنده: ساختار اسطوره‌ای در خدمت نویسندگان*، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: مینوی خرد.
- ویتیل، استوارت (۱۳۸۹)، *اسطوره و سینما: کشف ساختار اسطوره‌ای در ۵۰ فیلم به یاد ماندنی*، ترجمه محمد گذرآبادی، تهران: هرمس.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۹)، *انسان و سمبول‌هایش*، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.